

خشم عمومی در مکزیک در پی ناپدید شدن ۴۳ دانشجو

نوشته‌ی: لردس گارسیا لارکه

ترجمه‌ی: هومن کاسبی

تقریباً دو ماه از زمان «ناپدید شدن» ۴۳ دانشجوی یک کالج تربیت معلم روستایی در آیوتسیناپا^۱، یکی از مناطق روستایی مکزیک گذشته است اقدامی که دولت مکزیک، کارتل‌های مواد مخدر و سازمان‌های جنایتکار در آن‌دخیل بوده اند. این قضیه [بار دیگر] موضوع سطح بالای خشونت و معافیت از مجازات حاکم بر این کشور را برجسته می‌سازد.

در ۲۶ سپتامبر، شش نفر، از جمله سه دانشجوی تعلیم و تربیت، در نزدیکی شهرک ایگوالا، واقع در ایالت گوئررو^۲ (در فاصله‌ی چند ساعته در جنوب‌شهر مکزیکوسیتی) کشته شدند، در حالی که بر اجساد یافت شده‌ی آنان آثار شکنجه پیدا بود و حتی پوست صورت یکی از آنان کنده شده بود. نگرانی شهردار محلی از قصد اعتراض احتمالی دانشجویان به یک رویداد سیاسی، موجب حمله‌ی پلیس محلی به دانشجویان شد که به دنبال آن ۲۶ نفر سخت مجروح و ۴۳ نفر ناپدید گشتند.

تمام ناپدیدشدگان از کالج تربیت معلم روستایی رائل ایسیدرو بورگس^۳ هستند، که به کودکان فقیر و عمدتاً بومی خانواده‌های دهقان و کارگر آموزش می‌دهد تا به آنها فرصتی برای پیش بردن تحصیلات و حمایت از اجتماعات محروم‌شان بدهد.

بازماندگان و شاهدین می‌گویند که پلیس کمی بعد از دزدیدن دانشجویان، آن‌ها را به یک کارتل معروف مواد مخدر به نام «رزمندگان متحد» تحویل داد. حکومت مرکزی، ناتوان از یا بی‌میل به آشکار کردن واقعیات یا اقامه‌ی هر شکلی از عدالت، اطلاعاتی ناچیز و تدریجی منتشر کرده است، به طوری که تا این لحظه چیز چندانی مشخص نشده است. چند ده تن از مأموران پلیس و مشتی از اعضای منتسب به کارتل یاد شده به عنوان گوسفندهای قربانی بازداشت شده‌اند، اما هنوز هیچ اثری از دانشجویان نیست.

دوازده گور دسته‌جمعی در ناحیه‌ی اطراف منطقه‌ای که دانشجویان در آن مفقود شدند پیدا شده که بنا بر گفته‌ی روزنامه‌ی ملی ال یونیورسال^۴ حاوی بقایای اجساد حداقل ۳۸ نفر است. آژانس‌های امنیتی کشور اعلام کردند که این‌ها همان دانشجویان ربوده شده هستند، اما این اظهار نظر بعداً با تحقیقات انجام شده از سوی یک تیم «پزشکی قانونی» آرژانتینی تکذیب شد.

دولت فدرال با بی‌میلی با خانواده‌ها به گفتگو پرداخت و قول داد به دنبال دانشجویان گم شده بگردد. در همین راستا گزارش‌هایی از سوی پلیس تحقیقاتی فدرال منتشر شد و در روز ۷ نوامبر توسط دادستان

1. Ayotzinapa

2. Guerrero

3. Raúl Isidro Burgos

4. El Universal

کشور، خسوس موریلو کارام^۵ [به رسانه‌ها] عرضه شد. موریلو کارام اعترافات اظهارشده‌ی دو مظنون دستگیرشده را قرائت کرد، که بر مبنای آن‌ها چنین ادعا می‌شد که مظنونان اعتراف کردند که ۴۳ دانشجوی ربوده شده و توسط یک کامیون و یک خودروی کوچک‌تر به مکانی [نامعلوم] انتقال داده شده‌اند. برخی از آنها در کامیون خفه شدند و باقی دانشجویان پس از بازجویی و استنطاق به قتل رسیدند و در یک زباله‌دانی سوزانده شدند، در حالی که برخی از آنها در این حین هنوز زنده بودند. آتش به مدت بیشتر از ۱۴ ساعت، با سوختی از بنزین، لاستک‌های کهنه و کنده‌های درخت زبانه می‌کشید. سپس بقایای اجساد با بیل خرد شده و در کیسه‌زباله‌های مشکی گذاشته شدند و برخی از آن‌ها به درون رودخانه انداخته شدند.

تیم پزشکی قانونی آرژانتینی (که مطالعات مشابهی را در چندین کشور بر عهده داشته و به خاطر شناسایی بقایای جسد چه‌گوارا شهرت دارد) بر روی بقایای یافت شده مطالعه کرد و به این نتیجه رسید که این اجساد به دانشجویان تعلق ندارند.

والدین دانشجویان هنوز امیدوار بودند که فرزندان‌شان زنده هستند. یک مادر در یک کنفرانس مطبوعاتی بعد از اظهارات موریلو کارام گفت: «آیا آن‌ها انتظار دارند، با این همه عشقی که به فرزندان‌مان داریم، فرض کشته‌شدن آن‌ها را بدون هیچ مدرک متقن و انکارناپذیری بپذیریم؟ آیا آنها انتظار دارند که ما کورکورانه به آنچه دولت می‌گوید - همان دولتی که فرزندانمان را ربوده - اعتماد کنیم؟»

صدها هزار نفر در سرتاسر دنیا، از آیوتسیناپا و نیویورک، تا ریودو ژانیرو و دهلی نو، به خیابان‌ها ریخته‌اند و شعار می‌دهند «آن‌ها را زنده گرفتند، آن‌ها را زنده می‌خواهیم!» و «کار دولت بود!». در بیشتر دانشگاه‌ها و دبیرستان‌های مکزیکی اعتصابات صورت گرفته است. مردم از خشونت‌ی که کشور را فراگرفته است و حق مصونیت از مجازاتی که حکمفرماست خسته شده و به ستوه آمده‌اند. [در جریان این اعتراضات]، دفاتر احزاب سیاسی سنتی به آتش کشیده شده و جاده‌ها و خیابان‌ها باریگادبندی شده‌اند.

چرا مدارس روستایی؟

مسئله‌ی دانشجویان آیوتسیناپا مسئله‌ای مجزا نیست؛ دلایل به‌خصوصی وجود دارد که چرا این دانشجویان مورد هدف قرار گرفته‌اند. دانش‌سراهای [تربیت معلم] روستایی طی انقلاب ۱۹۱۰ مکزیک و در پی مبارزات اجتماعی فقرا و محرومان روستایی تأسیس شدند. آن‌ها برای فراهم کردن آموزش برای کودکان کشاورزان (زارعین دهقان یا کارگران روستایی) و برای آموزش دادن معلمانی که میل به رفتن به اجتماعات دوردست پا تأسیس شدند؛ در واقع این دانش‌سراها در راستای پاسخ به نیازهای ویژه‌ی /خیدوها - واحدهای زمین‌اشتراکی که بعد از انقلاب توزیع شده بودند - در دهه‌ی ۱۹۲۰ بنیان گذارده شدند.

مهم‌تر از همه، هدف دانش‌سراهای روستایی پرورش رهبران جماعت‌های محلی و حامین انسانی برنامه‌ی آموزش سوسیالیستی انقلاب بود. اما برای حکومت مکزیک این دانش‌سراها از همان آغاز فلقد هر گونه اهمیت و اولویتی بوده‌اند؛ بنابراین، این کالج‌ها می‌بایست منابع مالی خودشان را پیدا می‌کردند، غذای خودشان را تولید می‌کردند و ساختمان‌های خودشان را برقرار می‌کردند. از آن زمان تاکنون، این نوع از عمل جمعی و مستقل ویژگی مشخصه‌ی این مدارس تربیت معلم بوده است.

5. *Jesús Murillo Karam*

6. *Normales rurales*

آموزش و پرورش انتقادی و تحصیلات دموکراتیک بخشی از برنامه‌ی لین مدارس هستند. دانشجویان، معلمان و جماعات [روستایی] با هم در فعالیت‌هایی از قبیل برداشت محصول و حفظ جاده‌ها و زیرساخت‌های عمومی شرکت می‌کنند. دانشجویان دانش‌سراهای روستایی با واقعیات روزمره‌ی مناطق حاشیه‌ای مکزیک مواجه می‌شوند؛ مناطقی که از آغاز «قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی» (نفتا) در ۱۹۹۴ محروم‌تر شده‌اند.

مدارسی که دانشجویان کارشان به تدریس در آن‌ها ختم می‌شود اغلب با کمبود صندلی، میز، تخته یا حتی سقف مواجهند. دانش‌آموزان این مدارس بدون خوردن صبحانه به کلاس می‌آیند، آن‌ها در حالی که برای حضور در آنجا باید بیش از سه ساعت پیاده‌روی کنند. والدین و دانش‌آموزان اغلب قربانی سرکوب دولتی، یا خشونت شرکت‌های چندملیتی و جنایتکاران مزدور این شرکت‌ها هستند.

به همین دلیل جای تعجب نیست که دانش‌سراهای روستایی معلمانی سوسیالیست و رهبران انقلابی‌ای از قبیل جنارو وازکوئز^۷، لوسیو کابانیا^۸ و اوتون سالازار^۹ پرورش داده‌اند که طی نیمه‌ی دوم قرن بیستم جنبش‌های چریکی مهمی را رهبری کردند. این هر سه نفر در حقیقت دانشجویانی از دانش‌سرای آیوتسینا^{۱۰} بودند. از زمانی که دولت مکزیک داعیه‌های [گزاف] خود در مورد آموزش سوسیالیستی (میرلثی از اصلاحات صورت گرفته در دهه‌ی ۱۹۳۰) را رها کرد، دانش‌سراهای روستایی به خاری در چشم دولت بدل شده‌اند.

تعدادی از این مدارس با برچسب‌های [ظاهرا] تحقیرآمیزی نظیر «لانه‌ی کمونیست‌ها»، «مهدکودک‌های بلشویکی»، یا «پرورش‌گاه‌های پارتیزانی» تعطیل شده‌اند. دانشجویان این مدارس اغلب هنگام درخواست اشتغال مورد تبعیض قرار می‌گیرند؛ و گاهی اوقات به طرز وحشیانه‌ای کشته می‌شوند. حکومت از طریق اصلاح برنامه‌ی درسی نظام آموزشی تلاش کرده است تا پایه‌ی دانش‌سراهای روستایی و ایده‌های بنیادین فارغ‌التحصیلان آنها را تحلیل ببرد. این امر یک عامل عمده‌ی بسیج‌کننده در کارزارهای بوده است که دانشجویان روستایی برای مطالبه‌ی آموزش عمومی، دموکراتیک و انتقادی و عدالت اجتماعی وسیع‌تر به راه انداخته‌اند.

تعهد این دانشجویان به اجتماعات‌شان شایان توجه است. به عنوان مثال امیلیانو آلن گاسپار دلا کروز^{۱۱}، یکی از ناپدیدشدگان، را در نظر بگیرید. او در یک دانش‌سرای تربیت معلم نزدیک‌تر به مکزیکوسیتی پذیرفته شده بود، که در آن جا فرصت‌های شغلی بهتری به دست می‌آورد. اما بر ماندن در آیوتسینا پافشاری کرد، طوری که بتواند به اجتماعش آدای دین کرده و با کار کردن در مزرعه‌های ذرت به پدرش کمک کند. خانواده‌ی وی هنوز امیدوارند که او برای فصل برداشت بعدی باز خواهد گشت. آنها امید داشتند که او برای این فصل برداشت بازگردد، اما در عوض، اینک همکلاسی‌های امیلیانو در کار مزارع به پدر او کمک می‌کنند.

7. Genaro Vazquez

8. Lucio Cabana

9. Othon Salazar

10. Emiliano Alen Gaspar de la Cruz

نه یک قضیه‌ی مجزا

هدف گرفتن دانشجویان اپوزیسیون از دانش‌سراهای روستایی بخشی از یک الگوی وسیع‌تر خشونت سیاسی و جنایت سازمان‌یافته در مکزیک است. بین ۲۰۰۶ و ۲۰۱۲، در جریان طرح «جنگ با مواد مخدر»، در اثر درگیری‌های دراز مدت دولت با تبهکاران و باندهای مواد مخدر، بیش از ۱۳۶۰۰۰ مرگ خشونت‌بار، و ۲۶۰۰۰ مورد ناپدیدشدگی رخ داده است. این یک جنگ ساختگی است که قرار بود کارتل‌های مواد مخدر و دیگر سازمان‌های جنایت‌کار را هدف بگیرد، اما قربانیان‌اش [عمدتاً] کارگران، فقرای روستایی، جماعت‌ها و دانشجویان بومی بوده‌اند. هدف این طرح در واقع تهدید و ارباب مردم و سرکوب هر گونه مخالفت با حملات نئولیبرالی دولت و برچیدن بقایای رفاه اجتماعی است.

رسانه‌های جریان اصلی ملی و بین‌المللی، برای به تصویر کشیدن رئیس‌جمهور دست راستی مکزیک، *انریکه پنیا نیتو*^{۱۱}، به عنوان «منجی» کشور به شدت تلاش کرده‌اند. برای مثال، شماره‌ی فوریه‌ی مجله‌ی *تایم* بر روی جلدش تصویری شجاعانه از پنیا نیتو را به همراه لین تیتو منتشر کرده است: «چگونه اصلاحات گسترده‌ی *انریکه پنیا نیتو* مسیر جامعه‌ی آغشته به مواد مخدرش را تغییر داده است.»

در ماه سپتامبر، *شورای آتلانتیک* (یک اتاق فکر دست راستی) به پنیا نیتو بابت «ایجاد یک دستورالعمل اجرایی حاکم ... از طریق رهبری خارق‌العاده و اصلاحات گسترده در ارتباطات از راه دور، انرژی، آموزش، کار و غیره»، «جایزه‌ی شهروند جهانی» را اعطا کرد. با این وجود، در مکزیک، اصلاحات کاملاً غیرمردمی پنیا نیتو موجب شده است که وی در همه‌ی حضورهای عمومی‌اش با تحقیر و سرزنش مردم مواجه شود؛ حتی در معتبرترین دانشگاه‌های خصوصی کشور.

در ۱۴ ماه اول حکومت این رئیس‌جمهور، از دسامبر ۲۰۱۲ تا فوریه‌ی امسال، حدود ۲۴۰۰۰ مرگ خشونت‌بار و تعداد نامعلومی از ناپدیدشدن‌های اجباری و صدها توقیف سیاسی رخ داده است. در حالی که خشونت به طور فزاینده‌ای گسترش می‌یابد و به لحاظی بر تمامی سطوح جامعه تأثیر می‌گذارد، لین فقرا، طبقه‌ی کارگر و کشاورزان روستایی هستند که همچنان اهداف عمده‌ی خشونت‌های دولت و سازمان‌های جنایتکار واقع می‌شوند. برای مثال، جماعت‌های محلی گوئررو یا شرکت‌های چندملیتی معدن مبارزه می‌کنند، چرا که این شرکت‌ها برای بهره‌برداری از منابع طبیعی منطقه، با مجوز حکومت مبادرت به جابجایی اجباری روستائیان کرده‌اند. هفته‌نامه‌ی *کنترالینیا*^{۱۲} حداقل ۳۵ پرونده‌ی عمده‌ی ستیز اجتماعی شامل انسداد جاده، خرابکاری و دیگر نمودهای مقاومت را در رابطه با استخراج معدن، ثبت کرده است.

مسئله‌ی ۴۳ دانشجوی گم شده از *آیوتسپیانا* واکنش‌هایی را برانگیخته است که دولت آن را پیش‌بینی نمی‌کرد. چالش [پیش‌روی مبارزان] معطوف کردن این خشم و طغیان به یک جنبش ثمربخش است، که نه فقط با قتل‌ها و ناپدیدشدن‌ها، بلکه همچنین با طبقه‌ی سیاسی حاکم و برنامه‌ی اقتصادی مسبب این خشونت‌ها مخالفت و مبارزه کند.

* * *

11 . *Enrique Pena Nieto*

12 . *Contralínea*

منبع: متن فوق ترجمه‌ای است از:

Rage in Mexico over 43 disappeared students

By *Lourdes García Larqué*, [Redflags](#), 17 November 2014